

زندگی نامه کوتاهی از رفیق داریوش کاندپور:



سهرابیان می‌گوید: «در زندان، در آن اوج مبارزات بر ضد رژیم شاه با چهره‌های جوان و مبارزی آشنا شدم که نشان دهنده گسترش مبارزه علیه رژیم شاه و جلب هر چه بیشتر جوانان در این راه دشوار و سخت بود. داریوش کاندپور و برادرش ایرج از جمله این جوانان بودند که در رابطه با یک محفل مارکسیستی با گرایش مائوئیستی دستگیر شده بودند. آنها اهل مسجد سلیمان بوده و در یک خانواده کارگری بزرگ شده بودند. داریوش جوانی با قد متوسط و پوستی سبزه و چهره‌ای دوست داشتنی بود. تهرانی شکنجه‌گر او را خیلی شکنجه داده بود، به طوری که برای مدتی خون استفراغ می‌کرد و غذا خوردن برایش به عذابی مبدل شده بود. اگر چه ایرج سنش از داریوش بیشتر بود اما او تحت تأثیر داریوش به مبارزه سیاسی کشیده شده بود و از همان نظر اول روشن می‌شد که با ایمان‌تر و مقاوم‌تر از ایرج است.» (خاطرات آلبرت سهرابیان)

رفیق داریوش کاندپور یکی از مبارزان و زندانیان سیاسی در دوره رژیم شاه بود که پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۵۷ با عضویت در هیئت تحریریه و مرکزیت سازمان «رزمندگان در راه آزادی طبقه کارگر»، فعالیت سیاسی بعد از زندانش را ادامه داد. با شروع جنگ ارتجاعی ایران و عراق، در اعتراض به تاکتیک «دفاع طلبی انقلابی» سازمان رزمندگان، از هیئت تحریریه استعفا می‌دهد. با رشد بحران سیاسی - تشکیلاتی رزمندگان به همراه سایر رفقای کمونیست سازمان، پرچم مبارزه علیه جریان‌های راست و سانتریست درون جنبش چپ را برافراشت. در این دوره چگونگی پاسخ به بحران موجود جنبش چپ، رزمندگان را که تازه از مبارزه علیه جریان راست درون تشکیلاتی‌اش (رزمندگان ۳۴-۳۵) سربدر آورده بود، وارد مرحله دوم بحران خود می‌کند. اینبار سانتریست‌های درون رزمندگان پاسخ به بحران موجود را نه در بررسی علمی علل و ریشه‌های بحران حاکم بر جنبش چپ بلکه پیوستن در بست تشکیلات آنروزی رزمندگان به جریان موسوم به «اتحاد مبارزان کمونیست» می‌دیدند. سانتریست‌های منکر این واقعیت و استدلال‌های عریضه کمونیست‌های درون رزمندگان بودند که جریان فوق‌الذکر در شکلی دیگر حامل همان انحرافات است که کل جنبش کمونیستی از آن رنج می‌برد. و بدین طریق به موازات انحلال طلبان آنروزی «گام برداشتن جنبش کمونیستی ایران به جلو و گسست از مختصات و انحرافات قبلی‌اش را تخطئه می‌کردند.» و البته در جهت تحقق این امر از شیوه‌های اپورتونیستی رایج در جنبش^۱ نیز بهره می‌بردند. بطوری‌که در آخرین نشست بخشی از کادرها و اعضای رزمندگان در تهران سال ۶۰ داریوش در اعتراض به برخوردهای مذبوهانه ایندسته فریاد می‌زند «اینجا خیانت نباشد».

^۱ در تاریخ‌نویسی «حزبی» که ما نمونه‌اش را در کتاب «زیر بوته لاله عباسی» شاهد هستیم، این حقیقت کاملاً وارونه جلوه داده می‌شود. اینجا قهرمانان کتاب از مریدان سابق ام-ک-ب و بعدها حزب کمونیست ایران‌اند. نویسنده این مقاله یکی از شاهدان زنده برخوردهای غیررفیقانه و کاسبکارانه قهرمانان کتاب فوق‌الذکر در سالهای ۵۹-۶۱ بوده است. وقتی رفقای دارای گرایش به ام-ک-ب قادر به قانع کردن ما به مواضع این جریان نبودند رفیق م. ا. مطرح می‌کرد: «چنانچه ما (فراکسیون ام-ک-ب) باشیم به شما حق عضویت می‌دهیم» و پاسخ ما به ایشان این سؤال بود: «مگر ما کارمند این یا آن اداره دولتی هستیم که اکنون با بالا رفتن رتبه تشکیلاتی به این یا آن جریان فکری رأی همکاری بدهیم؟»

همچنانکه محفل «حیدر» از درون سازمان پیکار در سالهای ۶۱-۶۳ با استدلال‌های یک‌خطی زیر- به البته نتیجه تحقیق علمی، اثباتی و کمونیستی نبوده- «جامعه ایران سرمایه‌داری است، در نتیجه مرحله انقلاب ایران سوسیالیستی است در نتیجه همه احزاب و گروه‌های مبلغ انقلاب دموکراتیک، از قبیل سازمان‌هایی چون پیکار و رزمندگان، رزم انقلابی، اقلیت و ... نیز دسته‌جات ارتجاعی بورژوازی‌اند.» به محیط ترور علیه کمونیستها و انقلابیون دامن می‌زد. همچنان‌نیز در موارد زیادی ما در تهران شاهد بودیم که اعضا و هواداران ام-ک-ب حضور بخشی از اعضا و کادرهای پیکار در صحنه‌های تلویزیونی بمثابة تواب را ناشی از خط ایدئولوژیک- سیاسی پیکار ارزیابی می‌کردند و به این شکل از شیوه برخورد تنها زمانی پایان دادند که بخشی از اعضا و کادرهای کومه و ام-ک دستگیر شده و در صحنه‌های تلویزیونی تکرار تاریخ کردند. اینکه امروزه تاریخ‌نویسان حزبی در ویراستاری چنین کتابهایی تاریخ را به نفع حزب‌شان تحریف می‌کنند، تنها حکایتی دیگر از ابتذال حزبی است. ایشان پیش‌روی را بدانجا می‌کشاند که در صفحه ۱۹۷ کتاب مذکور نقل قول یک زندانی را بدین‌گونه تحریف شده ارائه می‌دهند: «می‌گوید (زندانی) کار اصلی جریانش نقد نظرات حزب کمونیست بوده است. خیلی برایم عجیب است که جریانی به جای مبارزه با رژیم با جریان دیگری مبارزه کند. از او می‌پرسم که آیا فعالیت دیگری هم به جز نقد حزب داشته‌اند یا نه؟ می‌گوید تعدادمان زیاد نبود برای همین نمی‌توانستیم در همه زمین‌ها فعال باشیم..... او (زندانی) متوجه نیست که مبارزه با جریانی که در حال مبارزه با رژیم است ممکن است به کنار آمدن با رژیم ختم شود. شاید هم جزو سکت‌هایی چپی‌ای است که فکر می‌کنند مبارزه با کمونیستها از مبارزه علیه رژیم مهمتر است» (تأکیدات از ماست. اسناد رزمندگان)

اولاً: اداره سانسور حزبی اسم این جریان سیاسی-تشکیلاتی را نمی‌برد تا با رجوع به اسناد و آمار موجوده عرصه اصلی مبارزه جریان مذکور و بقول نویسنده کتاب «شاید هم سکت چپی!!» را بر خلاف تحریف حرف زندانی در جمله بالا به اثبات رساند.

رفیق داریوش در اولین نوشته درون تشکیلاتی اش در زمستان ۵۹ به یک رشته از موضوعاتی اشاره می‌کند که به اعتقاد او پرداختن به آن‌ها و بررسی و شناخت علمی آن‌ها می‌توانست چپ را در پیشبرد وظایفش باگام‌های ارزنده‌ای به پیش سوق دهد. از جمله مسائلی که رفیق به آنها اشاره می‌کند عبارتند از: ضرورت بررسی علمی علل و ریشه‌های بحران حاکم بر جنبش چپ، مسئله شناخت از امپریالیسم و حرکت سرمایه مالی در کشورهای تحت سلطه، تحلیل از ساخت جامعه سرمایه‌داری وابسته ایران و بر بستر آن ارزیابی علمی از مناسبات اساسی مابین طبقات اجتماعی، مرحله و وظایف انقلاب آتی، قدرت سیاسی حاکم، احزاب سیاسی و غیره.

از اواخر سال ۵۹ تا اواسط سال ۶۰ او به همراه بخشی از اعضا و کادرهای کمونیست رزمندگان سابق موفق به تشکیل «کمیته انقلابی م-ل سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر» می‌شود. در اولین نوشته بیرونی «کمیته انقلابی م-ل» می‌خوانیم: «واقعیت نشان می‌دهد که بحران فعلی که از جنبه‌ای بیان‌کننده تشتت ایدئولوژیک - سیاسی (و به تبع آن تشتت تشکیلاتی) جنبش از یکسو و وجود انحرافات ایدئولوژیک از دیگر سو می‌باشد، تمرکز خود را از لحاظ ایدئولوژیک به‌حول مسئله کلیدی امپریالیسم و ساخت (و ساخت جامعه سرمایه‌داری وابسته) بازمی‌یابد. درک از امپریالیسم و حرکت سرمایه مالی در کشورهای تحت سلطه و تحلیل از ساخت جامعه سرمایه‌داری وابسته ایران آن حلقه کلیدی است که در پرتو شناخت مارکسیستی از آن می‌توان به بحران فعلی پاسخ داد.»

نقدی بر «جزوه سه منبع و سه جزء سوسیالیسم خلقی ایران (ا.م.ک.)»
کمیته انقلابی م-ل سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

داریوش کاندپور از نادر رهبران و کادرهای جنبش‌نویان کمونیستی و کارگری بود که از زاویه کمونیسم علمی فرارسیدن دوران ارتجاع را مطرح نموده و به مسئله شکست انقلاب و ضرورت عقب‌نشینی انقلابی-کمونیستی، حفظ کادرها، کار درازمدت صبورانه، و نقد آواتوریسم در سبک‌کار و مقابله و مبارزه با انحلال‌طلبی و سایر انواع اپورتونیسم در سالهای ۵۹-۶۰ پرداخت. در سالهای ۶۰-۶۱ رفقای «کمیته انقلابی م-ل» موفق می‌شوند با وجود اوضاع و احوال اجتماعی دشوار آن‌زمان-پیگردها و ضربات پلیسی، خانه‌بدوشیها و غیره... تحت رهبری و هدایت رفیق داریوش آثار گرانبها و پلمیک‌های زنده کمونیستی چون:

- «ساخت اقتصادی ایران» (از داریوش کاندپور)
- «نقدی بر پیش‌نویس برنامه مشترک کومله و ا.م.ک.»
- «طرح برنامه حداکثر و حداقل پرولتاریای ایران»
- «نقدی بر جزوه «سه منبع و سه جزء سوسیالیسم خلقی ایران (ا.م.ک.)»
- درباره مرحله انقلاب ایران، نیروها، وظایف و مضمون آن
- تئوری‌های اقتصادی ا.م.ک

و غیره را در جهت تکامل و غنای ثروت معنوی جنبش کمونیستی، دفاع از مارکسیسم-لنینیسم و تدارک تشکیل حزب کمونیست انقلابی به جنبش ارائه دهند.

از سال ۶۳ رفقای رزمندگان موفق می‌شوند ارگان تئوریک سیاسی رزمندگان آزادی طبقه کارگر (دوره جدید) را در داخل ایران با مقالات زیر منتشر نمایند:

- احزاب سیاسی و انتخابات
- مبارزه طبقاتی و ضد انقلاب بورژوازی (ضمیمه ۱، ۲، ۳)
- حزب، شورا سندیکا (ضمیمه ۱، ۲)
- س.چ.خ.ا. اقلیت در راه پیموده شده اکثریت (در چندین شماره)

- ورشکستگی خروشچفیسیم مضمون، تکامل و سرانجام آن
 - امپریالیسم و خلیج فارس
 - برخی نکات درباره تکامل جنبش کمونیستی ایران
 - دموکراسی انقلابی یا «دموکراسی اسلامی»؟
 - چگونه «حزب» در دفاع از تاکتیک لیبرالی «شوراهای واقعی» به لنین «سندیکالیست» حمله ور می‌شود؟
- و غیرو...

وفاداری به اصول م. ل، نبوغ سیاسی، توانایی کار خلاق و پیگیر کمونیستی در شرایط دشوار اجتماعی- سیاسی، توانایی کشف و توضیح علمی رازهای سر به مهر قانونمندی‌های پیچیده مبارزه طبقاتی، فداکاری و از خود گذشتگی داریوش را در صفوف رهبران واقعی این دوره جنبش کمونیستی- کارگری ایران قرار می‌دهد. رفیق داریوش عضو کادر مرکزی «سازمان رزمندگان در راه آزادی طبقه کارگر- دوره جدید» بود که از پائیز ۶۴ جهت ادامه کار کمونیستی به کردستان عراق می‌رود و در آنجا نوشته‌های زیر را از خود به یادگار می‌گذارد:

- سخنرانی آموزشی درباره‌ی پاره‌ای مسائل فلسفی و انحرافات جنبش کمونیستی ایران (فلسفه سانتریسم)
- راه رشد غیرسرمایه داری: سوسیالیسم تخیلی یا ضدانقلاب بورژوازی

۱- مقدمه

۲- استعمار و وابستگی: مفهوم، و مراحل تاریخی و تکامل آن

۳- استعمار امپریالیستی

۴- سرمایه داری وابسته

۵- مفهوم اقتصادی- سیاسی راه رشد

- اسنادی از روابطه «کومله» با «سازمان رزمندگان»
- یادداشت در مورد فلسفه (نگاهی به «گفتگوهای فلسفی مائو)
- یادداشت کوتاه فلسفی در باره فویرباخسیم
- تکاپوی لیبرالی در مصوبات شورای چهارم اتحادیه کمونیستهای ایران
- حزب رنجبران گسست یا تداوم تئوری سه جهان
- دیباچه چاپ سوم (تذکر چند نکته به خواننده اروپایی) بر کتاب «نقدی بر برنامه مشترک ام-ک و کومله»
- یادداشت ها و نکات از کتاب تروستکی
- ورشکستگی سانتریسم فدایی «اقلیت» (درباره حادثه ۴ بهمن در مقر س.ج.ف.خ (اقلیت)
- درباره مواضع اساسی (راه کارگر) در قبال جنبش خلق کرد و مسائل اساسی آن
- بیانیه درباره جنبش خلق کرد
- فیزیولوژی مارکسیسم غیر متعارفی و چگونگی تحریف آموزش مارکسیسم درباره دولت توسط «حزب کمونیست ایران»

متأسفانه بخشی از این اسناد یا در دوره یورش جنایتکارانه جمهوری اسلامی به سازمان از بین رفته‌اند و یا توسط برخی از نیروهای سیاسی که این اسناد در دسترسشان بود با کمال بی‌مسئولیتی نابود شده‌اند. از چندی پیش بخشی از این اسناد در سایت اینترنتی «گفتگوهای زندان» انتشار بیرونی یافته است.^۲

^۲ در شرایط امروزی که بخشی از جامعه روشنفکری ایران کاشف!! مقولاتی چون «دموکراسی ناب»، «سکولار»، «جمهوری» شده‌اند و بیش‌ترانه به تحریف مواضع و خواسته‌های کمونیستها و اینهمانی کردن این خواسته با مواضع این یا آن فراکسیون حکومتی مشغولند و بویژه که طلایه‌داران این ایده‌ها یا از صفوفی می‌آیند که فراز معنوی دیروزشان در دفاع از سلطنت تماماً

رفیق داریوش در تاریخ ۱۳۶۵ جهت حل پاره‌ای از مسائل و دشواری‌های درون تشکیلاتی تصمیم به رفتن به ایران می‌گیرد و طبیعی بود که در این رابطه رفقای ما به امکانات و کمک‌های تدارکاتی کومله در کردستان رجوع کنند که با ادامه سیاست قبلی ایشان^۳ یعنی پاسخ منفی‌شان روبرو می‌شوند. رفیق داریوش به‌هنگام ورود به ایران در مسیر کردستان دستگیر می‌شود. او در زندان بورژوازی جلاد حکومتی از آرمانش دفاع می‌کند.

«... از او (ایرج) درباره سرنوشت داریوش پرسیدم. او گفت: «من پس از این که از دیدگاه‌های گذشته خود دست کشیدم و آن‌ها را نادرست دانستم، رژیم از من خواست که با برادرم داریوش صحبت کنم، که او هم با من همکاری کند و حاضر شود به خواست‌های رژیم گردن نهد. من چند بار با داریوش دیدار داشتم و هر چه کوشش کردم که او را آماده کنم که با من همگام شود، حاضر نشد. داریوش به من گفت: «تو برادر من هستی اما هر کس راه و روش خود را در زندگی شخصی خودش مشخص می‌کند. من هیچگاه حاضر به همکاری با این رژیم نیستم و هرگز به زحمتکشان که در میانشان پرورش یافتم و برای احقاق حقوق و خواسته‌های آنها گام برداشته‌ام خیانت نخواهم کرد.» (خاطرات آلبرت سهرابیان)

به شهادت زندانیان سیاسی^۴ علیرغم همه مصائب درون زندان داریوش به‌مانند سایر کادرها و اعضاء متعهد جنبش چپ و انقلابی به‌منظور تبدیل کردن اوین بورژوازی به آموزشگاه کمونیسم انقلابی به نوشتن و کار فکری در درون زندان ادامه می‌دهد. در خرداد ۱۳۶۷ همراه با گروهی از محکومین به اعدام به‌دست جلادان حکومت جمهوری اسلامی تیرباران می‌شوند.

یاد این اندیشمند و انقلابی کمونیست گرامی باد.

«اسناد رزمندگان» اسفندماه ۱۳۸۱

مذهبی بورژوازی، نوشتن شعاری چون «سپاه پاسداران را به سلاح سنگین مسلح کنید»، «سرمایه‌داران بمب‌ها را بر سر خود بریزید» و همکاری «سرکوب بدون ممانعت جریانهای سیاسی که ... کار اکثریت شماره ۱۲۸» و یا از صفوف فعالین حرفه‌ای دستگاههای سرکوب همین حکومت بوده‌اند و در شرایطی که خلا حضور اندیشمندان کمونیست و متعهد در دفاع از کمونیسم علمی بیش از پیش احساس می‌شود. ما مطالعه دقیق این اسناد گرانبها و پر ارزش کمونیستی را به کلیه کمونیستهای ایران توصیه می‌نماییم.

^۳ در این رابطه رجوع شود به مقاله‌ی «اسنادی از روابطه «کومله» با «سازمان رزمندگان»

^۴ «نقش زندانی در مبارزه طبقاتی» مجله آرش شماره ۸۵ - همایون ایوانی